

بحران در حقانیت جمهوری اسلامی؟

حسن بهگر

روز ۲۲ خرداد ملت ایران با راه پیمایی خود در تهران و شهرستان‌ها حقانیت حکومت جمهوری اسلامی و رهبری خامنه‌ای را متزلزل ساخت (۱) و حکومت اسلامی را در داخل و خارج با بحران حقانیت دست به گریبان کرد.

مشروعیت

ما غالباً واژه‌ی مشروعیت را به عنوان معادل Legitimacy به کار می‌بریم که معادل دوقیفی نیست. از این کلمه در زبان انگلیسی معانی مختلفی استفاده می‌شود. در درجه اول معانی درست‌ی، برحق بودن، حقانیت، قانونی بودن و در درجه دوم مشروعیت، مشروع سازی، روانی، حلاکت، حلال زادگی (۲). ولی کلمه مناسب برای داوری در مورد اعتبار یک حکومت «حقانیت» است نه «مشروعیت». تصور می‌کنم هنگام آن رسیده است که با توجه به سی سال حکومت اسلامی در ایران روح واقعی را در کالبد کلمات بدمیم تا از سوء تفاهم‌های احتمالی جلوگیری شود.

حقانیت

حقانیت منبعت از حق حاکمیت مردم و قانونی است که مردم انشاء کرده‌اند و ریشه در افکار مردم دارد. قوانینی که مبتنی بر رضایت مردم است و همگان ملزم به اطاعت از آنها هستند و بدانها التزام دارند، گرچه برخی از این قوانین را نپسندند. این امر با مشروعیت که ما را به شریعت و احکام و قوانین شرعی حواله می‌دهد تفاوتی اساسی دارد. اولی امری است خردگرایانه و مربوط به ملت و قضاوت مردم و دومی برخاسته از شریعت و رجوع آن به قوانین آسمانی است.

حقانیت مفهومی مدرن دارد که قانون حرف آخر را می‌زند و فراتر از همه است. در حکومت‌های لیبرال دموکرات دولت نماینده افکار عمومی است زیرا مردم بدون ترس و بدون هیچ گونه فشاری نمایندگان خود را انتخاب کرده‌اند و می‌دانند که دولت تا مدت معینی مجری قوانینی است که نمایندگان آنان تصویب نموده‌اند.

حکومت اسلامی مشروعیت ندارد

در تاریخ ما حکومت‌های مذهبی مانند ساسانیان و صفویه به سبب داشتن پشتوانه مذهبی دوامی طولانی داشتند. شاید اگر در تاریخ ما انقلاب مشروطیت رخ نمی‌داد و ملت ما نزدیک به یک قرن برای دموکراسی و آزادی نجنبیده بود حکومت اسلامی استحکام بیشتری می‌توانست پیدا کند. اما مقاومت و مبارزه‌ی ملت که از فردای جمهوری اسلامی آغاز شد این حکومت را در مواجهه با دنیای نو و رسانه‌های همگانی روز به روز عقب نشانده. اختلافات جدی بین مراجع و دیگر ملایان با دستگاه حکومت خامنه‌ای را از مشروعیت سنتی و دینی محروم ساخته زیرا وی مرجع تقلید نیست و فرهنگداری خمی‌نی را هم ندارد و اصلاً تخصصیلات قابل ملاحظه‌ای ندارد. به همین سبب بسیاری از ملایان طراز اول هم با او سر مخالفت دارند. از آنجا که مشروعیت مبنای اعتقادی و ایمانی دارد و از این بابت کمیت خامنه‌ای لنگ است فقط به زور عده‌ای مزدور چماق بدست حکومت را ادامه می‌دهد.

حقانیت حکومت اسلامی در چه حد است

برخی فعالیت در خارج کشور را بی‌ثمر دانسته، فعالیت مؤثر را محدود به داخل ایران می‌کردند. ولی امروز بسیاری از چشم‌ها به خارج دوخته شده است و اپوزیسیون خارج از کشور می‌تواند نقش مهمی در بی‌اعتبار کردن و افشای جنایات رژیم دینی بازی کند؛ به ویژه آن که عکس‌ها و فیلم‌های گوناگونی از مبارزات مردم و وحشیگری رژیم به بیرون درز می‌کند که بهترین مدرک برای اثبات حقانیت مبارزه‌ی ملت ایران است. مردم جهان به چشم خود می‌بینند که این حکومت نه تنها به قوانین بین‌المللی پشت کرده بلکه پاسخ مردم خود را که در نهایت آرامش و سکوت خواستار رسیدگی به آرای خود هستند با بی‌رحمی تمام با گلوله پاسخ می‌دهد.

جمهوری اسلامی بر آمده از رای یک اکثریت عمده بود و از آغاز بر سرکار آمدن کوشش داشت که آرای اکثریت مردم را به رخ مخالفان داخلی و خارجی بکشد و به گفته ی مهدی بازرگان به دیگران گوشزد می‌کرد که به اندازه کوبن خودشان یعنی به اندازه ای که رای دارند سخن بگویند . جمهوری اسلامی با استقرار خود در طی سال‌های گذشته با اتکاء به اقتدار دینی و تظاهر به دموکراسی ، این وجهت را برای خود حفظ کرده بود اما با حوادث اخیر این هر دو عامل آسیب جدی دیده اند . جالب آنست که گویا خامنه ای با توهم به استحکام جمهوری اسلامی در حوادث اخیر با فرار به عقب (آن هم به ۱۴۰۰ سال پیش) خواسته است از شر دموکراسی ظاهری خود را خلاص کند اما این کار بیش از پیش چند پارگی در حاکمیت را موجب شده است.

این روزها خامنه ای و احمدی نژاد بسیاری از قانون و اطاعت از آن حرف می زنند . باید پرسید کدام قانون ؟ قانونی که به صلاحدید رهبری و شورای نگهبان زیر رو می شود؟ در جایی که آرای مردم حتا در محدوده و تنگناهای موجود قابل اعتنا نیست و نمایندگان مجلس که منتخب مردم نیستند با حکم حکومتی خفقان می گیرند و منشاء هیچ چیز و صلاحی برای مردم نبوده اند، قانون چه معنا و مفهومی می تواند داشته باشد؟

خامنه ای خود ثابت کرد که از قوانین سرپا معیوب جمهوری اسلامی نیز تبعیت نمی کند و آن چه که اصلاً به حساب نمی آورد آرای مردم است . او آرای مردم را محض خاطر احمدی نژاد به زیاله دانی ریخت . حق انتخاب امر بسیاری مهمی است که خامنه ای و ملاکین همپالکی اش آن را دست کم گرفته بودند ، مردم خواستار احترام به حق انتخاب خود هستند. انتخاب کردن از ویژگی های انسان و وجه تمایز او با حیوان است .

هنگامی که مردم از یک حکومتی راضی نیستند و به آن اعتقاد ندارند و به چشم خود می بینند که عدالت در آن حرف بی معنایی است آن را از خود نمی دانند و اطاعت از آن را لازم نمی شمارند و با فشار و قمه و تکر نمی توان رضایت آنان را جلب کرد .

اکنون بازی دموکراسی و تبعیت ظاهری از قوانین و احترام به مردم در حکومت اسلامی به گورستان سپرده شده است و اعتماد و غرور ملتی آسیبی جدی دیده. در چنین شرایطی نارضایتی داخلی به اوج خود رسیده و حکومت را ناچار به استفاده ی از زور و تقبل هزینه نظامی - امنیتی بیشتر کرده است. حکومت به سوی دور باطلی می‌رود که جز از هم گسیختگی بیشتر و زوال سرانجامی نخواهد داشت .

رخدادهای اخیر بی‌انگیز آن است که رهبر و دولت دست نشانده او نماینده ی اراده ی ملی ایران نیستند و نه تنها در جهت منافع ملت و مردم حرکت نمی کنند بلکه با وحشیگری و رذالتی آشکار که بسیاری از روح ملت بزرگ ایران فاصله دارد بر سر قدرت مانده اند. این بدان معناست که ادامه ی این حکومت با رضایت ملت نیست گرچه حکومت با فشار و سرکوب بتواند در خیابان ها امنیتی ظاهری برقرار کند عاقبتش از امروز روشن است.

۱۹-۰۷-۲۰۰۹ استکهلم

۱- [خبرگزاری انتخاب - اعتماد ملی - دوشنبه ۲۲ تیرماه ۱۳۸۸ - بر اساس مترژها و اندازه گیری های صورت گرفته در تجمع حامیان میرحسین موسوی در میدان آزادی سه میلیون معترض حضور داشته اند. یکی از نمایندگان عضو فراکسیون اصولگرایان در حاشیه جلسه علنی روز گذشته مجلس به صورت غیر رسمی اعلام کرد که در گزارشی که از سوی محمدباقر قالیباف شهردار تهران به مجلس ارائه شده آمده است براساس مترژها و اندازه گیری های صورت گرفته در تجمع حامیان میرحسین موسوی در میدان آزادی حداقل سه میلیون معترض حضور داشته اند.]

۲- آریانپور عباس - فرهنگ انگلیس فارسی ج ۱- رویه ۱۲۳۳ انتشارات امیرکبیر تهران سال ۲۰۰۰